

گفت‌وگو با مهدخت مخبر، ترانه‌سرا و غزل‌سرا

ترانه، صدای زخم‌های جامعه است



عکس

شرح

سارا شعاعی

وارد حیات که می‌شوم چشمانم از زیبایی افسونگر آن در ادریبهشت‌ماه خیره می‌ماند؛ حیاطی زیبا و گلکاری شده، میز و صندلی‌هایی با روکش‌های گلدار، پس از گذر از آن حیات دل‌نرب و زیبا وارد دو سالن می‌شوم. سراغ خانم مهدخت مخبر را می‌گیرم. راهنمایی‌ام می‌کنند و اتاق ایشان را نشانامی می‌دهند. در حین عبور از طبقات تا رسیدن به محل مصاحبه، ناخودآگاه اتاق‌هایی را می‌بینم که پدربزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های بسیاری در هر کدام از آنها زندگی می‌کنند. افسون باغ زیبا در کسری از ثانیه از خاطرم می‌گذرد و جای آن را تصویر خزان و تنهایی پری می‌کند. اینجا آسایشگاه مهرگان است، آمدام تا بانو مهدخت مخبر، یکی از ترانه‌سرایان و غزل‌سرایان و از قدیمی‌های رادیو را ببینم و با او از گذر اام بگویم و از او از روزگار رفته بشنوم. گفتنی است تخصص بانو مهدخت مخبر، ترانه‌سرایی روی ملودی است و با آهنگ‌سازان بزرگ و بنامی همچون علی تجویدی، اسدالله ملک، محمود تاجبخش، منوچهر لشگری، علی اکبرپور، حسین صدی، جواد لشگری، بزرگ لشگری، جلیل عندلیبی و… و خوانندگان بزرگی نظیر اکبر گلباکیانی، محمودی خوانساری، کورس سرهنگ‌زاده، نادر گلچین، سمین غانم، علیرضا افتخاری، ناصر مسعودی و… و شاعرانی مانند فریدون مشیری، سمین بهبهانی، هوشنگ ابتهاج و معینی کرمانشاهی همکاری داشته‌اند. از ترانه‌های معروف بانو مهدخت مخبر می‌توان به «امان از جدایی»، «ای عشق»، «دلخوابات» و… اشاره کرد.

نداریم.

❖ برای خوانندگان نسل جدید هم ترانه سروده‌اید؟

جناب آقای اکبر گلبا آهنگساز جوانی را که ۲۹ سالش

بود فرستاده بودند. ایشان آهنگی در دستگاه نوا ساخته و

شاعر خواسته بودند که آقای گلبا من را به ایشان معرفی

کرده بودند و من این کار را برایشان انجام دادم و شعر

روی آهنگشان سرودم و علی شاپور نیز آن را اجرا کردند.

حالا که نامی از آقای گلبا به میان آمد، شاید برایتان جالب

باشد بدانید که ترانه دلخوابات من را آقای گلبا خواندند

و استاد تجویدی آهنگ‌سازش بودند. این ترانه در آمریکا

ترانه سال شد. مسعود کهربزی هم ترانه‌های من را اجرا

کردند. مسعود خادم و داوود نبی‌زاده هم همین‌طور که

فوق‌العاده بودند. حبیب‌الله بدیعی را آیت‌ام مسجد ارک

صدای اذان ملکوتی موزن‌زاده‌اردبیلی به گوش می‌رسید.

موزیسین‌ها اگر سر ضبط بودند کارشان را تعطیل می‌کردند

به حیاط می‌آمدند و از آبدارخانه کوچک کنار حیاط

ساندویچی می‌خریدند و افطار می‌کردند. نه بلیمانی

نه میز و صندلی‌ای نه تظاهری. وقتی اذان تمام می‌شد

دوباره می‌روفتند سر ارکستر. بهترین آثار را می‌خواستند و

می‌آفریدند.

❖ کدام‌یک از استادان و آهنگ‌سازانی که با آنها

همکاری داشتید، در ذهن شما ماندگار شده‌اند؟

آقای جلیل عندلیبی بسیار با استعداد بودند حیف که

درحال حاضر کار نمی‌کنند. البته این را بگویم که همه

فوق‌العاده بودند. حبیب‌الله بدیعی را آیت‌ام شهود گفت

اسطوره نبود؟ یا هوشنگ ابتهاج، رهی معیری یا استاد علی

تجویدی یا اسدالله ملک. همه این استادان، سراپا شور و

احساس بودند.

❖ شعرهایتان چگونه به دست آهنگ‌سازان بزرگی

مانند اسدالله ملک و علی تجویدی و… می‌رسید و مورد

استفاده قرار می‌گرفت؟

خودشان سفارش شعر می‌دادند. من کسی نبودم

که با ترانه بروم در استودیو، بایستم و بگویم ترانه دارم؛

شما آهنگ بسازید. حتی زمانی که می‌خواستند ترانه از

من در مجله چاپ کنند، سردبیر خودش می‌آمد و از من

می‌خواست برایشان ترانه بنویسم. مثلا سرهنگ صولتی

مدیر مجله دنیای سخن یک بار آمدند و از من خواستند

ترانه‌ای بنویسم که ببرد تحریریه مجله چاپ کنند.

آهنگ‌سازها به من آهنگ می‌دادند و من روی ملودی

شعر می‌گفتم. همان‌طوره‌که می‌دانید ترانه‌سرودن روی

آهنگ بسیار مشکل است؛ چراکه شعر هم باید محتوا و

هم با آهنگ همخوانی داشته باشد. اسدالله ملک و بیژن

ترقی همیشه به من لطف داشتند و من را تشویق می‌کردند.

ما چندان ترانه‌سرایی که بتواند روی آهنگ شعر بگوید،

موسیقی

نمی‌رسد. همان‌طور که می‌دانید، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در رادیو صدای گوینده است و اگر شنونده جذب صدای گوینده نشود، موج رادیو را تغییر می‌دهد یا رادیو را خاموش می‌کند. چه عواملی دست به دست هم می‌دهد که گوینده‌های شایسته به رادیو راه پیدا نکنند. چقدر مسئله آموزش ندیدن و نادیده‌گرفتن و استفاده‌نکردن از استادان بنام در عرصه گویندگی را در این مسئله دخیل می‌دانید؟

دست روی زخم‌های دل من گذاشتید. گوینده‌ها باید پیش استادان خیره این رشته کار کنند و آموزش ببینند. قبل از شروع برنامه هم تا حد امکان متن را بخوانند و اگر مشکلی بود از بزرگان بپرسند. خیلی کم ما گوینده خوب داریم. یکی از آنها، آقای رضا رشیدپور است که تسلط خوبی بر کار خود دارند. بعضی از گوینده‌ها جنس صدا را تغییر می‌دهند یا صدا را توی گلو می‌اندازند.

❖ از نظر شما در عصر تعدد رسانه رادیو جایگاهی

دارد؟

رادیو را باری به هر جهت می‌بینم. اصلا برایش دلسوزی نمی‌شود. اگر به آن بوجه بدهند و همراهی کنند، ما در جامعه تحصیل‌کرده‌ها، استعدادها و پیش‌کسوتان زیادی داریم که باید به آنها مراجعه و با آنها همکاری شود.

❖ شما به جز شاعری و ترانه‌سرایی فعالیت دیگری هم می‌کردید؟

من بازنشسته اداره کل آموزش دانشگاه علوم پزشکی ایران هستم. از ۳۰ سال خدمت، ۱۵ سال با معلول و معتاد و عقب‌افتاده دختی و خانواده‌های بی‌سپرست کار کردم و به این کار علاقه داشتم. همه می‌گفتند روحیات خراب می‌شود؛ ولی می‌گفتم نه من عاشق این کارم. برای اولین‌بار من از مسئولان خواستم برای مددجویا مستمری رد کنند.

زلزله طیس که در شهریور ۵۷ اتفاق افتاد، صبح وقتی به اداره رسیدیم، دیدم رئیس دفتر مدیرعامل آقای دکتر امیرشاهی گفتند آقای دکتر شخصاً از شما خواسته‌اند حتماً به طیس بروید. گفتم چشم و با هواپیمای ارتش رفتم. طیس در زمان برگشت سه کودک تپیم در بغل داشتم. هنوز هم نگاه آن بچه‌ها را دنبال نکردم.

❖ در واقع به جز غزل‌سرایی، ترانه‌سرایی و گویندگی، مددکار اجتماعی هم بودید.

هم مسئول هنردرمانی بودم، هم کارشناس امور اجتماعی.

❖ برای کودکان معلول شعر هم گفته‌اید؟

شعری که گفتم توقع داشتم از طرف رادیو و تلویزیون پخش شود. من حتی پول هم نمی‌خواهم فقط می‌خواهم به معلولان کشور بها داده شود. قسمتی از شعر این است: الهی به امید تو/ به امید روزی که این اجتماع به چشم ترحم به ما ننگرد/ که امید روزی که بازار کار، به دست‌های ما کارها بسپرد/ اگر دست و پا، چشم بینا ندارم/ خدایم به من فکر و اندیشه داده/ اگر بی‌خبر از غم روزگارم/ خدایم به من برکت و ریشه داده/ الهی به امید تو/ الهی به امید تو.

❖ ترانه‌های شما چاپ هم شده است؟

بله. کتاب «ترانه‌های دیروز امروز و چند لحظه بعد» شامل معماری من است؛ ترانه‌هایی که خواننده‌ها اجرا کرده‌اند. کتابی هم در دست انتشار است که غزل است.

❖ شما سی‌دی هم روانه بازار کرده‌اید؛ درست است؟

بله. چون خودم دلم می‌خواست دوبیتی، رباعی و غزل‌های من به صورت دکلمه باشد، مجوز این سی‌دی به نام «صدای شاعر» را از وزارت ارشاد گرفتم.

❖ تا به حال کسی از مسئولان به ملاقات شما آمده‌اند؟

جناب آقای عطیمی، دبیر موسسه هنرمندان پیش‌کسوت، جناب آقای ابراهیمی، از دست‌اندرکاران مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت، آقای سجادی، مدیر فرهنگ سررای نیابوران و آقای محمد سلمانی به عیادت آمده‌اند. جناب حمیدرضا نوربخش و آقای عاطفی هم تلفنی تماس گرفتند.

همچنین بانو مهران و سیمیا مافیها و خانم سهیلا پورگرامی و شهناز مقدم، آقای جهانگیر الماسی هم چند وقت پیش به عیادتم آمدند.

❖ اکنون بعد از گذشت سال‌ها خواسته‌تان از مسئولان چیست؟

اولین خواسته‌ای که دارم، به‌طور کلی این است که به ما پیش‌کسوتان احترام بگذارند. درضمن، من چند سال است دوست دارم کتاب غزلیاتم را به چاپ برسانم؛ مسئولان دست یاری و دست همکاری به هنرمندان بدهند. خیلی از هنرمندان هستند با سلیلی صورتشان هستند. از آقای عباس عطیمی، دبیر مؤسسه هنرمندان با معلولان همین ترانه‌ای که من برای معلولان گفتم، دوست دارم سرمایه‌گذاری شده و برنامه‌ای ساخته شود که این ترانه اجرا شود. من بارها گفته‌ام پول هم نمی‌خواهم، فقط می‌خواهم این کارها را که از زبان دل این عزیزان گفتم، دیده شود و در رادیو و تلویزیون به گوش همه برسد؛ به‌ویژه خود این عزیزان.

من مدتی است به رومانیسم مفصلی مبتلا شده‌ام. با کمک مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت به اینجا آمدم. دو ماه است که میهمان این آسایشگاه هستم.

در پایان دوست دارم از سرکار خانم شهناز مقدم تشکر کنم که بیماری من را منعکس کردند و پیگیر کارهای من هستند. از آقای عباس عطیمی، دبیر مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت و همکاران‌شان و خانواده‌شان تشکر می‌کنم. من در خانه تنها بودم و گمگی نداشتم، من را به اینجا آوردند و باعث خوشحالی من است که روبه‌روی پنجره اتاق من منزل هنرمند عزیز استاد علی نصیریان است.

زخم مرا که دوست به تصویر می‌کشد/ پشتم ز سوز

سینه‌چرا تیر می‌کشد/ بر من که خود همیشه سیر بودام

چرا/ این دست‌های حادثه‌شمشیر می‌کشد/ با روی

باز خنده به دنیای‌گردون زدم/ اما مرا به حالت دلگیر

می‌کشد/ دنبال دل نه از پی بازیچه می‌روم…

نوانس

پروفسور کریستنسن موزن در ایران

پروفسور کریستنسن موزن (آهنگ‌ساز دانمارکی) در روزهای آینده به ایران می‌آید تا روزهای سوم و چهارم خرداد، هم مسترکلاس‌های آهنگ‌سازی را برای آهنگ‌سازان ایرانی برگزار کند و هم پروژه‌های مشترک را برای آهنگ‌سازی کودکان ایرانی و دانمارکی کلید بزند. این مسترکلاس‌ها قرار است در قالب یک کارگاه دوازده به صورت گروهی و خصوصی در آموزشگاه «ریشه در خاک» برگزار شود. پروفسور کریستنسن‌موزن که سابقه تدریس را در دانشگاه‌های نروژ و دانمارک دارد، یکی از مطرح‌ترین پداگوگ‌های دانمارک در زمینه پروژه‌های موسیقی کودکان محسوب می‌شود و تاکنون پروژه‌های آهنگ‌سازی و خلاقیت موسیقی کودکان را در کشورهای مختلف اجرا کرده است. کریستنسن درحال‌حاضر استاد کنسرواتوار موسیقی اسپیرگ دانمارک است. این موسیقی‌دان همچنین آهنگ‌سازی ارکستر مجلسی راندز در دانمارک نیز را برعهده دارد. مدیریت پروژه مشترک آهنگ‌سازی کودکان ایران با دانمارک را امیرمهار نقرشی‌پور و پروفسور کریستنسن عهده‌دار هستند. علاقه‌مندان برای شرکت در مسترکلاس‌های موزن کریستنسن می‌توانند برای اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۲۲۳۴۹۱۵-۰۲۲۷۱۳۵۸۶آموزشگاه ریشه در خاک تماس بگیرند.

روزنه

هم‌اندیشی مقرنس و بزرگداشت استاد «حلی»

شرق: هم‌اندیشی «مقرنس عصر قاجار و بزرگداشت استاد سیداکبر حلی» سه‌شنبه، دوم خرداد در فرهنگستان هنر برگزار می‌شود. به گزارش روابطعمومی فرهنگستان هنر، در این نوزده‌مهمی که به همت معاونت پژوهشی فرهنگستان هنر برگزار می‌شود، علی معلم‌دامغانی، رئیس فرهنگستان هنر، سیف‌الله امینیان، محسن جاواری و ناصر مشهدی‌زاده‌دهاقانی، از استادان بنام معماری سنتی، به سخنرانی می‌پردازند. مقرنس و جایگاه آن در معماری سنتی، ویژگی‌های هندسی و صوری، ویژگی‌های سازه‌ای، گونه‌شناسی و سبک‌شناسی، وجوه معناشناختی، ساخت‌ها و مصالح، ارتباط انواع کاربندی با فضاه و سایر عناصر معماری، آسیب‌شناسی و مرمت و برداشت و مستندسازی موضوعاتی است که در این نشست مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

همچنین در هم‌اندیشی مقرنس عصر قاجار از سیدعلی‌اکبر حلی، استاد بنام حوزه معماری و بنای سنتی، تجلیل به عمل می‌آید. سیدعلی‌اکبر حلی از اواخر دهه ۴۰ به فعالیت حرفه‌ای در این عرصه روی آورد. او عضویت در ده‌ها مؤسسه علمی، فرهنگی و هنری انجمن‌میراث فرهنگی کاشان، عضویت در هیئت راهبردی میراث فرهنگی نیاسر، مدیرعامل مؤسسه احیای فرهنگ کاشان، رئیس هیئت‌مدیره انجمن خیرین احداث مصالحا کاشان، مدیرمسئول موقعیت فارسی در فاو، مسئول پایگاه جهاد کاشان در اهواز، عضویت در انجمن صنفی معماران و … را در کارنامه دارد. همچنین استاد اخیراً در جمع ۱۹ فینالیست بزرگ‌ترین جایزه معماری جهان و جایزه مؤسسه جهانی آقاخان در سال ۲۰۱۶ بوده است. در نشست تخصصی همایش مقرنس عصر قاجار نیز، مؤلفان مقالات برگزیده به ارائه مقاله خود دربارۀ مقرنس می‌پردازند. «هم‌اندیشی مقرنس عصر قاجار و بزرگداشت استاد سیداکبر حلی» روز سه‌شنبه، دوم خرداد، ساعت ۱۴ در سالن همایش‌های فرهنگستان هنر به نشانی خیابان ولیعصر(عج) ـپاین‌تر از چهارراه طالقانی، شماره ۱۵۵۲، طبقه سوم برگزار می‌شود.

قفسه آهنگ

نگاهی به آلبوم «طریق عشق»؛

آخرین اثر استاد محمدرضا شجریان

راز مانا

محمدرضا ساختمانگر*

«طریق عشق» گرچه جدید نیست، ولی بلافاصله پس از عرضه در صدر پرفروش‌ترین آلبوم‌های موسیقی در سال ۱۳۹۵ قرار گرفت. وضعیت فروش را می‌توان در خیلی از شرایط خاص نیز دنبال کرد، اما بی‌انصافی است که گمان کنیم تنها وضعیت امروز استاد محمدرضا شجریان دلیل اصلی فروش بالای آلبوم است. با یک نگاه اجمالی به آثاری که در ۳۷ سال از استاد شجریان منتشر شده است درمی‌یابیم که «طریق عشق» نیز در میانگین آثار سلفی استاد جای دارد. با یک نگاه زیباشناسانه به این اثر، پرده از گوشه‌ای از زوایای هنری آن دوره از فعالیت درخشان گروه عارف برداشته می‌شود. آری، بدون اغراق با یک شاهکار هنری دیگر روبه‌رو هستیم، چرا؟

پیش‌درآمد

«گل‌نوش»، پیش‌درآمد افشاری است ساخته پرویز مشکاتیان که در چارچوب همیشگی آثار شجریان در ابتدای آلبوم شنیده می‌شود. «گل‌نوش» با ریتم شش‌ضربی سنگین (شش‌چهارم) آغاز می‌شود و در ابتدا اشاره‌ای به گوشه «درآمد» و «جامه‌دران» افشاری دارد. جواب سازه‌ها روایتی نو از این دستگاه دارند؛ دستگاهی نسبتاً مهجور که در گذشته کمتر خواننده یا آهنگ‌سازی به آن رجوع می‌کرد و این کار را سخت می‌کند. البته نسوغ نوازندگان گروه عارف، این گره را باز می‌کند. «گل‌نوش»، در عین سادگی، کار خود را به‌خوبی انجام می‌دهد و حال‌وهوای افشاری را در ذهن شنونده ایجاد می‌کند. اما لحظه غافلگیری اثر، زمان آغاز آواز افشاری است که استاد می‌خواند. پس از پیش‌درآمد و تکنوازی سنتور مشکاتیان در درآمد افشاری، به‌ناگاه صدای استاد شنیده می‌شود که با اکتاو بالا درآمد افشاری می‌خواند. یک لحظه شنونده شک می‌کند که آیا واقعا درآمد است یا از گوشه «قرانی» یا «عراق» شروع شده است. اما پس از اتمام تحریرها، شعر تکلیف را روشن می‌کند:

چو دست بر سر زلفش زَم به تاب رود/ ور آشتی ظلم با سر عتاب رود (حافظ)

در نظر داشته باشیم که با یک اجرای زنده مواجه هستیم. اصولاً شروع یک آواز، از هم افشاری، با بالاترین جای صدای یک خواننده در یک کنسرت نشان از چه دارد؟ این تبحر شهریار آواز ایران است. پیگیری آثار شجریان نشان می‌دهد که صحنه برایش جایگاهی ویژه دارد. همواره آنچه در توان دارد در کنسرت‌ها به نمایش می‌گذارد. انکار صحنه مفهومی دیگر دارد. «علی جهاندار» از نشان‌داران مکتب استاد شجریان، می‌گوید: «استاد تمام کوچ‌پس‌کوچه‌های مسیر ردیف آوازی ایران را با فرعی‌ها و حتی پلک قطعات می‌شناسد و…».

در انتهای آواز با یک تردستی، صدا از تاج به بم فرود می‌کند، ولی هنوز در درآمد افشاری هستیم. این اتفاق تنها به سه تحریر رخ می‌دهد. پس از آن بلافاصله چهارضرب «دل‌انگیز» ساخته مشکاتیان با ضرب شش‌هشتم نواخته می‌شود. به نظر می‌رسد که این قطعه در استودیو ضبط و بعداً به آلبوم اضافه شده باشد و بین دو قطعه آوازی سنتور و تار گنجانده شده است. آواز افشاری این‌بار با ساز داریوش بیربناکان با ورود به گوشه حصار ادامه پیدا می‌کند.

فرد در «جامه‌دران» است و فضا برای اجرای تصنیف «دل‌مجنون» مهیا می‌شود؛ عیناً اتفاقی که در آلبوم «دل‌مجنون» (۱۳۷۰) رخ می‌دهد.

پس از اجرای تصنیف «دل‌مجنون»، آواز با همراهی نی جمشید

عندلیبی و کمانچه‌ای خوش‌کامکار ادامه پیدا می‌کند و با مثنوی خوانی

به اتمام می‌رسد. اما تصنیف «ساقی» اتفاق جالبی است. این تصنیف

پیش‌تر در آلبوم «افشاری مرکب» مرحوم ایرج بسطامی ارائه و بارها از صداسوسپما نیز پخش شده بود و کسی گمان نمی‌کرد که این تصنیف اجباری پیش‌تری نیز دارد و در انتهای آلبوم و پس از تصنیف «ساقی» بلافاصله تصنیف «جان جهان» اجرا می‌شود. این تصنیف دو سال قبل و در آلبوم «نوا و مرکب‌خوانی» اجرا و منتشر شده بود.

گروه‌عارف و «شیدا»

نسل جوان موسیقی‌دانان ایرانی که عمدتاً از فارغ‌التحصیلان و دانشجویان موسیقی ایرانی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بودند پایه‌گذاران این دو گروه محسوب می‌شوند. پس از آمدن ابتهاج به رادیو و برنامه گلها، موج جدیدی از ورود گروه‌ها و نوازنده‌های جوان‌تر به «گلها» شکل گرفت. محمدرضا لطفی پس از جداشدن از مرکز حفظ و اشاعه موسیقی و پیوستن به رادیو، زیر نظر ابتهاج گروهی را پایه‌گذاری کرد که بنابر پیشنهاد سایه، «شیدا» نام گرفت. حسین علیزاده و پرویز مشکاتیان به‌طور مشترک گروه دیگری را بنیان گذاشتند که باز هم با پیشنهاد سایه، «عارف» نامیده شد. اعضای این دو گروه مدت‌زمان اندکی در رادیو مشغول به کار بودند و در پی واقعه ۱۷ شهریورماه ۵۷ (جمعه سیاه) از رادیو کناره‌گیری کردند. پس از آن اعضای دو گروه به‌هم پیوستند و «گانون فرهنگی جوشن» تأسیس شد. این جریان تا سال‌های ۵۶ و ۵۷ به یک باور مستحکم از نظر ایدئولوژی هنری در ذهن موسیقی‌دان‌های زمان بدل شد که دارای یک مانیفست هنری بود؛ موسیقی‌ای که از سوی شاگردان آقای برومند سعی در ترویج آن داشتند؛ موسیقی عهد قاجار که مبتنی‌بر ردیف‌نوازی بود و از سوی آقای برومند به شاگردانش از جمله لطفی، علیزاده و کیانی و طلایی آموزش داده شده بود. در اوج فعالیت‌های گروه‌های چپ در سال ۱۳۵۶ و آغاز اعتراضات عمومی، اختلافات فراوانی نیز بین گروه‌های هنری و از جمله موسیقی رخ داد. این اختلافات باعث نزدیکی شجریان و مشکاتیان شد. پس از کنسرت «سپیده»، رابطه بین شجریان و لطفی شکراب شد و این باعث نزدیکی او با مشکاتیان شد. همکاری مشکاتیان و شجریان در «گروه عارف» در همه ۶۰ منجر به انتشار کارهای شاخصی شد که تاریخ موسیقی ایران را ورق زد؛ آثاری چون «بیاده»، «دستان»، «نوا و مرکب‌خوانی» و….

فرد

توجه به موضوعات بسیار فنی برای نوازندگان گروه و نیز روش‌های آهنگسازی به‌کار گرفته شده از سوی مشکاتیان، علیزاده و لطفی همگی از جمله عناصری هستند که از چشمان نسل‌های بعدی پوشیده نمانده به‌گونه‌ای می‌توان گروه‌نوازی‌های امروز را ادامه مسیری دانست که با «شیدا» و «عارف» آغاز شد و از سوی شاگردان آنها ادامه یافت و اندوخته‌های را مهیا کرد تا نسل‌های بعدی بتوانند از آن استفاده کرده و هرکدام در طی طریق خویش دنباله‌رو آن باشند. امروز مشکل بتوان نوآوری‌های اصیل و بدیعی را در عرصه گروه‌نوازی‌ها یافت که منشأ آن در نحوه تفکر و تجربیات گروه‌های «شیدا» و «عارف» نباشد. باید سال‌ها منتظر ماند تا شرایطی مهیا شود که چنین گروه‌هایی در عرصه موسیقی ایران ظهور کنند.

❖ **دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر**